

نوع مقاله: پژوهشی

## صحیح مسلم و روایات تحریف شده

عبدالرحمان باقرزاده / دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران

A.bagherzadeh@umz.ac.ir  orcid.org/0000-0001-7870-0312

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

### چکیده

حدیث از جمله منابع مهم شکل‌گیری باورهای کلامی و اعتقادی مسلمین است. لذا دقت در اصالت و پالایش منابع آن ضروری است. صحیح مسلم نزد غالب اهل سنت دومین اثر معتبر حدیثی است که توسط مسلم بن حجاج نیشابوری، از محدثان بزرگ اهل سنت (۲۶۱-۲۰۶ق) نگاشته شده است و مانند صحیح بخاری، جایگاه بلندی دارد و روایات موجود در آن، بدون بررسی مورد پذیرش سنیان قرار می‌گیرد. این جایگاه مستلزم سلامت و صحت راویان، سلسله اسناد و متن روایات است. از آنجاکه براساس اسناد قطعی، پدیده تحریف (به‌رغم زشتی و پیامدهای منفی کلامی، فقهی و...) به منابع فراوانی از متون اسلامی، اعم از روایی، اعتقادی، تاریخی و... نفوذ کرده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا کتاب یادشده از تحریف در امان مانده است تا کاملاً قابل اعتماد بوده باشد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع معتبر و مختلف اهل سنت به‌منظور پاسخ به همین سؤال صورت پذیرفته و مهم‌ترین نتیجه آن، اثبات رخنه پدیده نامیوم تحریف در این کتاب مهم و محوری بوده است. این تحریفات، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم دارای ریشه‌ها و پیامدهایی در مباحث کلامی هستند و نیازمند دقت و موشکافی بیشتر اهل تحقیق‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** جایگاه اهل بیت، صحیح مسلم، حدیث ثقلین، حدیث سفینه، تحریف حقیقت.

کلام اسلامی گنجینه‌ای از باورهاست که از سویی در عقل و قرآن کریم، و از سویی دیگر در سنت، خصوصاً احادیث ریشه دارد. حقایق دقیق و اشارات ظریفی در احادیث (که متصل به زبان وحی‌اند)، وجود دارد که اگر در گذر زمان سالم و دست‌نخورده بمانند، می‌توانند در شکل‌گیری باورها نقش مهمی ایفا کنند و مانع انحرافات اعتقادی شوند. لذا ضروری است تا منابع مربوطه پالایش شوند و سلامت آنها مورد اطمینان باشد. از سویی دیگر، مقابله در برابر حقیقت با حربه‌ها و شیوه‌های مختلف، سابقهٔ درازمدتی در تاریخ دارد. همیشه افرادی بودند که تحمل جلوه‌گری حقیقت را نداشتند و تلاش می‌کردند تا به هر صورت ممکن، از فروغ آن بکاهند. متأسفانه سنت نبوی که سرمایهٔ گران‌بهای امت اسلام محسوب می‌شود، از این آسیب در امان نماند و با هزار حسرت، با انگیزه‌های مختلف اعتقادی، از جمله تعصب به مذاهب و اشخاص خاص و به‌دست مدعیان علم و دانش، شاخ‌وبرگ‌هایی از آن بریده یا وصله‌های نامناسب به آن چسبانده شد. برخی از این مدعیان، وقتی به روایتی که متضمن بیان فضیلتی از اهل‌بیت علیهم‌السلام یا مذمتی از مخالفان ایشان باشد، با لطایف‌الحیل دست به تحریف آنها زدند. بدیهی است مسئولیت اصلی پالایش کتب حدیث بر دوش رشتهٔ علوم حدیث است؛ ولی نظر به ریشه‌ها و آثار تحریفات یادشده در حوزهٔ اعتقادات دینی، متکلمان نیز به این موضوع می‌پردازند و ابعاد مختلف آن را بررسی می‌کنند.

امروز وهابیت پا در جای پای یهود (که به‌فرمودهٔ قرآن کریم از قهرمانان تحریف بودند) گذاشته‌اند و بسیاری از منابع حدیثی را با اغراض به‌ظاهر دینی تحریف می‌کنند. اقدام این فرقه، در تاریخ اهل سنت مسبوق به سابقه بوده و حتی ضرورت آن از سوی مشاهیر آنان، مورد تأکید و اجرای آن مورد تشویق و ترغیب قرار داشته است! که مراجعه به کتاب‌های *سانسور حقیقت* (باقرزاده، ۱۳۹۴) و *تحریف حق و حقیقت* (باقرزاده، ۱۳۹۹)؛ مقالات «مخالفت با شیعیان، عامل تغییر سنت‌های نبوی» (باقرزاده، ۱۳۹۶)؛ «نقد و بررسی قاعدهٔ وجوب سکوت در قبال مشاجرات صحابه» (باقرزاده، ۱۳۹۸)، این ادعا را به‌خوبی اثبات خواهد کرد.

*صحیح مسلم* مانند *صحیح بخاری*، کتابی جامع و از معتبرترین منابع حدیث نزد اهل سنت است. این کتاب توسط *مسلم بن حجاج نیشابوری*، از شاگردان بخاری و در طول پانزده سال تدوین شده است. این اثر از ۵۴ کتاب اصلی، از «کتاب الایمان» تا «کتاب التفسیر»، تشکیل شده و موضوعات گوناگون اعتقادی، فقهی، اخلاقی، تاریخ و سیره را دربردارد. *صحیح مسلم* حدود هفت هزار حدیث دارد که احادیث غیرمکرر آن نزدیک به سه هزار حدیث است.

با تأسف فراوان، این دو منبع طراز اول اهل سنت، از رفتار ناپسند دور نمانده‌اند و موارد متعددی از روایات تحریف‌شده در آنها به‌چشم می‌خورد که برخی توسط صاحبان آنها و برخی دیگر قبل یا بعد از آنها توسط افراد ناشایست رخ داد. نگارنده پیش از این در مقالهٔ «*صحیح بخاری و تحریف حقیقت*» (باقرزاده، ۱۳۹۵) به پاره‌ای از تحریفات در *صحیح بخاری* پرداخته و در تحقیق حاضر در پی آن است تا با برشمردن مواردی از تحریف در

صحیح مسلم اثبات کند که این کتاب نیز خالی از تحریف نیست. هرچند ممکن است تحریفات دست‌نیافته‌ای مرتبط با سایر موضوعات در این کتاب صورت گرفته باشد، ولی به دلیل رویکرد کلامی نگارنده، تحریفاتی که مورد کنکاش و پیگیری بوده و به آنها دست یافته شد، برخی در زمینه فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام و برخی دیگر نیز در جهت پوشاندن مثالب مخالفان آنان بوده است. بدیهی است که باورهای کلامی، مانند عدم اعتقاد به جایگاه برجسته و هم‌طراز با قرآن برای اهل‌بیت علیهم‌السلام، اعتقاد به عدالت مطلق صحابه، عدم قداست قبور بزرگان و... ریشه چنین اقداماتی‌اند و آثار و پیامدهایی در اندیشه دینی مخاطبان (مانند تساهل در خصوص سب امیرمؤمنان علیه‌السلام از سوی برخی صحابه و...) به‌همراه خواهد داشت.

درباره صحیح مسلم تحقیقات و مقالات متعددی در سراسر دنیای اسلام به‌سامان رسیده است که برخی از آنها به زبان فارسی عبارت‌اند از:

- «بررسی کتاب صحیح مسلم» (مسلم‌خانی، ۱۳۸۸):

- «بررسی تقریبی - تطبیقی مسئله مهدویت در صحیح مسلم» (قادری، ۱۳۹۴):

- «بررسی حدیث ثقلین در صحیح مسلم و سنن ترمذی از منظر مهدویت» (قادری، ۱۳۹۷):

و ...

ولی متأسفانه نگارنده در میان مقالات مختلف، به پیشینه مستقلی که مشخصاً درباره نفوذ پدیده تحریف در صحیح مسلم باشد، برخورد نکرده است؛ لذا با توجه به ضرورت پالایش آثار دینی و منابع طراز اول، لازم است کنکاش دقیقی در موضوع یادشده در این آثار صورت گیرد تا ضریب اعتماد به کتب حدیث افزایش یابد و با دقت بیشتر همراه باشد.

## ۱. روایات تحریف‌شده در صحیح مسلم

اینک به‌سراغ اثر مذکور می‌رویم و با تکیه بر منابع معتبر نزد اهل سنت، به اثبات تحریف در آن می‌پردازیم.

### ۱-۱. تحریف در حدیث ثقلین

با وجود امکان ادعای تواتر درباره حدیث ثقلین و به‌رغم تحریف و عدم نقل آن در صحیح بخاری، خوشبختانه در صحیح مسلم به این روایت مهم اشاره شده؛ ولی متأسفانه نقل روایت در این کتاب با بی‌مهری‌هایی همراه است. یکی از طرق روایت، روایت جعفر بن محمد از پدرش و او از جابر در جریان خطبه عرفه آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنِ اخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا؛ كِتَابُ اللَّهِ، وَعِتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي» (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۶۶۲ ح ۳۷۸۶). این در حالی است که همین روایت جعفر بن محمد از پدرش و او از جابر در صحیح مسلم و در شرح خطبه عرفه، بدون نام بردن از اهل‌بیت و عترت چنین آمده است: «وقد تركت فيكم ما لن تضلوا بعده إن اعصمتم به كتاب الله...» (نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۸۹۰ ح ۱۲۱۸).

در جای دیگر از صحیح مسلم، از میان دهها روایت غدیر خم، به روایتی از یزید بن حیان اشاره شده است که براساس آن، یزید بن ارقم به توصیف خطبه پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم و بیان اعتصام به کتاب الله و تذکر مؤکد آن حضرت درباره اهل بیت ﷺ پرداخته بود. آنگاه آن حضرت در پاسخ به سؤال حصین بن سبره که پرسیده بود: اهل بیت پیامبر ﷺ چه کسانی اند و آیا همسران از اهل بیت نیستند؟ پاسخ فرمودند: «نِسَاؤُهُ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ وَلَكِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ مَنْ حُرِّمَ الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ» (نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۷۳، ح ۲۴۰۸)؛ همسران از اهل بیت پیامبرند؛ لکن اهل بیت کسانی اند که پس از پیامبر صدقه بر آنها حرام شده است! سپس حصین از مصادیق افرادی می پرسد که صدقه بر آنها حرام است و پاسخ می شنود.

هرچند بی توجهی مسلم به انبوه روایاتی که صحابه متعدد مانند جابر بن عبدالله، ابوسعید خدری، حذیفه بن اسید و... از ماجرای غدیر خم داشتند و نیز بی اعتنائی به سایر روایاتی که افرادی مانند ابوطیفیل عامر بن واثله (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۱۸)، ابوالضحی مسلم بن صبیح، حبیب بن ثابت، یحیی بن جعد و علی بن ربیع در جوانی از یزید بن ارقم درباره این حادثه مهم تاریخی نقل کرده اند و اکتفا به یک روایت، آن هم روایتی که مربوط به دوران پیری یزید بن ارقم است (و به تصریح خودش، همین امر باعث فراموشی بخشی از حوادث شده است؛ تا جایی که تماماً یا سهواً اشاره ای به حدیث ولایت امیرالمؤمنین ﷺ در این ماجرا هم ندارد)، حسن نیت و صداقت مسلم را زیر سؤال می برد؛ ولی هدف ما صرفاً اثبات تحریف در همین یک روایت منقول ایشان است.

قطعاً در پاسخ یزید تحریفی رخ داده است: یا از سوی راویان یا از سوی مسلم نیشابوری؛ چراکه اولاً لفظ «لکن» برای استدراک است و قاعدتاً قبل و بعد آن باید از نظر نفی و اثبات متفاوت باشند؛ بنابراین نمی توان گفت: «همسران از اهل بیت اند؛ لکن اهل بیت کسانی اند که...». در نتیجه باید پاسخ یزید درباره همسران منفی باشد، نه مثبت؛ ثانیاً در صفحه بعد، مسلم یک بار دیگر به همین روایت اشاره می کند که راوی می گوید از یزید پرسیدیم: «من اهل بیت نِسَاؤُهُ؟» روشن است که چنانچه «من» به فتح و موصول باشد، ترجمه چنین می شود: «اهل بیت کیان اند؟ همسرانش؟! و در صورتی که «من» به کسر و حرف جر باشد، ترجمه چنین می شود: «همسرانش از اهل بیتش می باشند؟». یزید هم در جواب می گوید: «قال: لا و اَیْمُ اللهِ اِنَّ الْمَرَاةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنَ الدَّهْرِ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا فَتَرْجِعُ اِلَى اَیْبِهَا وَ قَوْمِهَا اَهْلِ بَيْتِهِ اَصْلُهُ وَ عَصَبَتُهُ الَّذِینَ حُرِّمُوا الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ»؛ به خدا سوگند نه؛ زیرا چه بسا زنی با مردی یک عمر زندگی می کند، ولی در آخر عمر طلاق می گیرد و به خانه پدرش می رود و جزء اهل بیت پدر محسوب می شود. اهل بیت حقیقی او، آنهایی اند که صدقه بر آنها حرام است.

نتیجه آنکه در روایت اول، یا کلمه «لکن» یا همزه استفهام انکاری قبل از کلمه «نِسَاؤُهُ» حذف و تحریف شده است؛ یعنی یزید در برابر سؤال حصین گفته باشد: «همسران از اهل بیت نیستند؛ لکن...» یا با تعجب گفته باشد: «آیا فکر می کنید همسران از اهل بیت اند؟!» این ادعایی است که مورد اعتراف برخی از دانشمندان اهل سنت نیز واقع شده است.

نوی با اشاره به تنافی بین دو روایت موجود در صحیح مسلم آورده است: «فہاتان الروایتان ظاہرہما التناقض والمعروف فی معظم الروایات فی غیر مسلم انه قال: نساؤہ لسن من اہل بیتہ» (نوی دمشقی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰)؛ پس ظاہر این دو روایت، تناقض دارد و آنچه در غالب روایات منقولہ در غیر صحیح مسلم آمدہ، این است کہ گفت: زنان از اہل بیت نیستند. نوی ضمن اعتراف غیر مستقیم بہ تحریف، بہ توجیہ می پردازد و می گوید: «پس روایت اول بدین صورت توجیہ می شود کہ ہمسران فقط از جمع اہل بیتی می باشند کہ با او سکونت دارند و زندگی می کنند...؛ اما در اہل بیتی کہ صدقہ بر آنها حرام است، داخل نمی باشند» (ہمان).

ابن تیمیہ نیز در باب حرمت صدقہ بر ہمسران و صدق اہل بیت پیامبر ﷺ بر آنان می گوید: «حمد حنبلی دو دیدگاہ دارد: اول آنکہ از اہل بیت نیستند. این همان نظریہٴ زیدین /رقم است کہ در صحیح مسلم آمد: و...» (ابن تیمیہ، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۰۹).

آلوسی ہم می گوید:

در خبر سابق کہ گفت: «نساؤہ من اہل بیتہ»، گویا منظورشان «أنساؤہ»، یعنی نساء بہ ہمراہ ہمزہ استفہام انکاری بودہ (بدین صورت: آیا ہمسران از اہل بیت اند؟! ) یعنی در حقیقت خواست بگوید کہ ہمسران از اہل بیت نیستند؛ همان طور کہ در بیشتر روایات غیر از صحیح مسلم بہ همین صورت (یعنی نفی شمول ہمسران) آمدہ است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۷).

## ۱-۲. تحریف حدیث سفینہ

ازجملہ روایات مشہور نبوی کہ در بیان فضیلت و جایگاہ منحصر بہ فرد اہل بیت عصمت و طہارت ﷺ وارد شد، حدیث سفینہ یا تشبیہ آنان بہ کشتی نوح است. روایتی کہ اگر دربارهٴ آن ادعای تواتر شود، گراف نخواهد بود. متن معروف روایت چنین است: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.»

برخی از شواہد و اظهارات حاکی از آن است کہ حدیث مزبور در صحیح مسلم وجود داشته است. ابن حجر مکی می گوید: از منابع فراوان کہ برخی از اسناد برخی دیگر را تقویت می کنند، وارد شدہ است کہ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ...» نوح است کہ ہر کس سوارش شود، نجات می یابد؛ سپس می گوید: «وَفِي رِوَايَةِ مُسْلِمٍ: وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ...»؛ و در روایتی کہ مسلم نقل کردہ، [در ادامہ] آمدہ است: ہر کہ از آن تخلف کند و دور شود، غرق می شود» (ابن حجر ہیثمی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۴۵۵). این در حالی است کہ ہم اکنون حدیث مزبور در صحیح مسلم یافت نمی شود و ظاہراً تحریف شدہ است.

## ۱-۳. تحریف در روایت چہار بانوی برگزیدہ

روایتی بین شیعہ و سنی معروف است کہ بر مبنای آن، پیامبر اعظم ﷺ حضرت مریم بنت عمران، حضرت آسیہ ہمسر فرعون، حضرت خدیجہ ﷺ و حضرت فاطمہ ﷺ را کامل ترین و برترین زنان عالم معرفی کردہ اند (ابن حبان،

۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۱؛ ابن اثیر، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۲۴، ش ۶۶۶۹؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۴۰۲، ح ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴). این روایت چنان مشهور است که حتی ابن تیمیه اصل آن را می پذیرد و تصریح می کند که براساس روایت صحیح، پیامبر ﷺ فرمود: از مردان افراد زیادی به کمال رسیدند و از بانوان، جز چهار نفر، به کمال نرسیدند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۲۸).

حاکم نیشابوری ذیل حدیث: «فَطِمَّةٌ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرِيَمَ بِنْتِ عُمَرَانَ» می گوید: «إِنَّمَا تَقَرَّدُ مُسْلِمٌ يَأْخُذُ حَدِيثَ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ خَيْرٌ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۶۸)؛ فقط مسلم (و نه بخاری) حدیث ابوموسی مبنی بر اینکه بهترین زنان چهار نفرند را نقل کرده است.

از سخن ابن کثیر در تفسیرش هم فهمیده می شود که صحیحین روایت ابوموسی اشعری را با نام حضرت خدیجه ﷺ آورده بودند؛ چنان که می گوید: «وَقَدْ ثَبَتَ فِي الصَّحِيحَيْنِ مِنْ حَدِيثِ شُعْبَةَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ مَرْوَةَ عَنْ مَرْوَةَ الْهَمْدَانِيَّةِ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَ مَرِيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ حُوَيْلِدٍ...» (ابن کثیر، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۹۴، ذیل آیه ۱۲ سوره تحریم).

متقی هندی که با رمزنگاری، از منابع احادیث یاد می کند، ضمن اشاره به نقل این روایت در صحیحین بخاری و مسلم از انس، تصریح می کند که ترمذی این حدیث را صحیح خوانده است (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۶۵). شوکانی (م ۱۲۵۰ق) و زحیلی دمشقی (م ۲۰۱۵م) نیز تصریح می کنند که روایت فوق از ابوموسی اشعری را بخاری و مسلم در کتاب صحیح خود آورده اند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۰۶؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۶۹۵). این در حالی است که وقتی به نسخه فطی صحیح مسلم (و صحیح بخاری) مراجعه می کنیم، فقط نام دو بانوی برگزیده را در حدیث می یابیم: «عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ غَيْرُ مَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأَسِيَّةَ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَ إِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۶، ح ۲۴۳۱) و بدین ترتیب نام دو بانوی دیگر، یعنی حضرت خدیجه ﷺ و حضرت زهرا ﷺ از آنها حذف شده است. جالب این است که نام بابی که این حدیث در آن آمد، چنین است: «بَابُ فَضَائِلِ خَدِيجَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا»؛ یعنی باب به نام حضرت خدیجه ﷺ است؛ ولی نام آن حضرت از حدیث حذف می شود! مگر نه این است که نویسندگان صحاح نام ابواب را براساس احادیث همان باب انتخاب می کردند و احادیث هر بخش را در همان باب مخصوص خود قرار می دادند؟

البته حذف نام حضرت خدیجه ﷺ و به جای آن نقل حدیثی در فضیلت عایشه، بیانگر هدف این تحریف است؛ چراکه روایت به افضلیت حضرت خدیجه ﷺ بر سایر همسران پیامبر ﷺ از جمله عایشه تصریح دارد و این برای برخی غیرقابل تحمل بود؛ چنان که مناوی اعتراف می کند و به نقل از جمعی از دانشمندان می گوید: «هَذَا نَصٌّ صَرِيحٌ فِي تَفْضِيلِ خَدِيجَةَ عَلَى عَائِشَةَ وَغَيْرِهَا مِنْ زَوْجَاتِهِ لَا يَحْتَمِلُ التَّأْوِيلَ» (مناوی، ۱۳۵۶ق، ج ۴، ص ۱۲۴)؛ این روایت نص صریح در افضلیت حضرت خدیجه بر عایشه و سایر همسران پیامبر ﷺ است و اصلاً جای توجیه دیگری ندارد.

## ۱-۴. تحریف حدیث روضه

از جمله روایات مشهور نبوی، حدیث آن حضرت در معرفی محدوده روضه شریفه در مسجدالنبی است که فرمودند: «ما بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنة» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۴ ح ۱۱۶۲۸)؛ بین قبر و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است.

وهابیت بر انکار این روایت اصرار دارد و حدیث را به صورت «ما بین بیتی و منبری روضه من ریاض الجنة» نقل می‌کنند. با مراجعه به چاپ‌های فعلی صحیح بخاری و صحیح مسلم، حدیث را به همین صورت که وهابیت نقل می‌کنند، می‌یابیم؛ ولی ظاهراً حقیقت غیر از این است. براساس شهادت برخی از دانشمندان اهل سنت، روایت مزبور در صحیحین به همان صورت صحیح آمده و در نسخه‌های فعلی، روایت تحریف شده است. دلیل این تحریف هم روشن است؛ چراکه برخلاف سایر مسلمین، وهابیت هیچ ارزش و قداستی برای قبور بزرگان، حتی پیامبر اسلام ﷺ قائل نیست.

نووی می‌گوید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مَنْبَرِي عَلَى حَوْضِي رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ...» (نووی دمشقی، ۱۹۹۷، ج ۸، ص ۲۰۰)؛ پیامبر ﷺ فرمود: بین قبر و منبرم باغی از باغ‌های بهشت است و منبرم بر حوض کوثر قرار دارد. بخاری و مسلم این حدیث را روایت کرده‌اند...

وی همچنین در *الأذکار* در آداب زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ و ضمن توصیه به توسل و طلب شفاعت و حضور در روضه و کثرت دعا می‌گوید: «در دو صحیح بخاری و مسلم، از طریق ابوهیریه روایت شد که پیامبر ﷺ فرمودند: بین قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است» (نووی دمشقی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۳).

حافظ مزی (۷۴۲ق) ابتدا با حروف اختصاری (خ م) اشاره می‌کند که بخاری و مسلم این حدیث را روایت کرده‌اند؛ سپس به معرفی ابوابی که این حدیث در آن دو کتاب آمده است، مانند آخر کتاب الصلوة و آخر کتاب الحج و... می‌پردازد. متن ایشان چنین است: «[خ م] حدیث: ما بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنة... (الحديث)...» (مزی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۳۲۳، ح ۱۲۲۶۷).

ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق) در *النکت الظرف* (که تعلیقه بر کتاب پیش‌گفته حافظ مزی، یعنی *تحفه الاشراف* است و همراه با آن به چاپ رسیده)، بدون رد سخن حافظ مزی به شرح آن می‌پردازد: «۱۲۲۶۷ خ م حدیث ما بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنة... (الحديث)...».

ابن ملقن شافعی مصری (۸۰۴ق) ضمن تأیید صحت حدیث می‌گوید: شیخان، یعنی بخاری و مسلم، آن را از ابوهیریه و دیگران نقل کردند؛ سپس از ابوالقاسم ابن‌منده در کتاب *مستخرج* نقل می‌کند که این حدیث توسط تعداد زیادی از صحابه، مانند عایشه، ابن عمر، عبدالله بن زید مزنی، ابوسعید خدری، سهل بن سعد، ابوبکر، عمر، علی بن ابی‌طالب، جابر بن عبدالله، سعد بن ابی‌وقاص، جبیر بن مطعم، زبیر بن عوام، ابوسعید زید بن ثابت (یا زید بن خارجه)، ابوقاد لیشی، معاذ بن الحارث الانصاری، ابوحلیمة قاری، انس بن مالک و ابومعلی انصاری روایت شده است (ابن ملقن، ۱۴۲۵ق، ج ۸، ص ۲۰۲، ح ۲۱).

روشن شد که به شهادت جمع کثیری از علمای اهل تسنن، روایت شریفه نبوی در صحیحین بخاری و مسلم با لفظ «قبری و منبری» وجود داشته است؛ ولی همان گونه که گذشت، با کمال تعجب می بینیم که این روایت در صحیح مسلم (و همچنین صحیح بخاری) فعلی با الفاظ یادشده وجود ندارد و به جای کلمه «قبری»، کلمه «بیتی» آمده است.

نکته شگفت و بسیار جالب، نام بابی است که بخاری و مسلم این روایت را در آن آورده اند. نام باب حدیث بخاری این است: «باب فضل ما بین القبر و المنبر» و نام باب حدیث مسلم این است: «ما بین القبر و المنبر روضة من ریاض الجنة!» روشن است که بخاری و مسلم نام ابواب کتاب خود را براساس متن احادیث انتخاب می کردند؛ پس چرا در نام باب، کلمه «قبر» و در خود حدیث، کلمه «بیتی» آمده است!!!

### ۱-۵. حذف نام ناسزاگو

مسلم در روایتی آورده است:

اسْتَبَّ رَجُلَانِ رَجُلٌ مِنَ الْيَهُودِ وَرَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ...؛ شخصی مسلمان و شخصی یهودی به مخاصمه پرداختند و به همدیگر فحش و ناسزا می گفتند. شخص مسلمان گفت: سوگند به خدایی که حضرت محمد ﷺ را بر عالمیان برگزید... . یهودی هم گفت: سوگند به خدایی که حضرت موسی ﷺ را بر عالمیان برگزید... . مسلمان خشمگین شد و به صورت یهودی سیلی نواخت... . یهودی به پیامبر خدا ﷺ مراجعه و شکایت کرد... (نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۴۴، ح ۲۳۷۳).

در این روایت نام شخص مسلمان حذف شده است. ابن حجر به معرفی فرد مزبور می پردازد و می گوید: «و ذکر بن بشکوال أن المسلم أبوبکر الصديق...» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۲۸۳). ابن بشکوال در روایتی صحیح السند از سعید بن مسیب گفته است که آن فرد (مسلمان ناسزاگو) ابوبکر بوده است؛ ولی در روایتی دیگر که ابن ابی شیبیه نقل کرده، آن شخص را عمر می داند که داستانش متفاوت بود. عینی هم شخص مزبور را ابوبکر معرفی کرده است (عینی، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۵۰). بدیهی است چنانچه بنا بر تحریف نبود، ممکن بود در صحیح مسلم به صورت مردد به نام هر دو نفر اشاره شود.

### ۱-۶. مخالفت صریح با حکم پیامبر ﷺ

مسلم در روایتی از سلمة بن اروع در داستان غزوة خیبر نقل کرده است که در شب قبل از فتح خیبر که با وعده پیروزی از سوی پیامبر خدا ﷺ همراه بود، عده ای آتشی برافروخته بودند. پیامبر ﷺ پرسیدند: این آتش برای چیست؟ گفتند که مشغول بریان کردن گوشت اند. فرمود: کدام گوشت؟ گفتند: گوشت الاغ اهلی. پیامبر ﷺ فرمود: «أهريقوها و اكسروها»؛ آن را بر زمین بریزید و دیگها را بشکنید. «فقال رجل: أو يهريقوها و يغسلوها»؛ مردی (به مخالفت با سخن پیامبر ﷺ برخاست و) گفت: یا آن را بیرون بریزیم و دیگها را بشوییم! (نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۲۸، ح ۱۸۰۲).



متأسفانه نام این شخص که به مخالفت با دستور پیامبر ﷺ در یک حکم شرعی پرداخت، از روایت صحيح مسلم حذف شده است؛ ولی / ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «يَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ هُوَ عَمْرٌ»؛ احتمالاً آن فرد عمر بوده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۳۰۶). لذا هرچند قضاوت حتمی کمی دشوار به نظر می‌رسد، ولی احتمال تحریف در این روایت هم دور از ذهن نیست. والله اعلم.

#### ۷-۱. تلاش برای تبرئه معاویه در سب امام علی \*

یکی از بدعت‌های معاویه، ناسزاگویی به امیرمؤمنان علی ﷺ و ترویج آن بوده است. در همین راستا، معاویه از واردین می‌خواست که به آن حضرت جسارت کنند. از جمله این افراد، سعد بن ابی وقاص است. داستان مواجهه معاویه با وی و دستور به ناسزاگویی به امام ﷺ مشهور است و در منابع فراوانی همچون سنن ترمذی همراه با تأیید صحت روایت (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۶۳۸، ح ۳۷۲۴)، اسد الغابه در ترجمه امام علی ﷺ (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۱۴)، البدایه و النهایه در حوادث سال چهل هجری (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۴۰)، تاریخ الاسلام (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۲۷) و... آمده است.

مسلم نیشابوری روایت را از عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می‌کند که: «أَمَرَ مَعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُوْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسُبَّ أَبَا التَّرَابِ؟...» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۷۱، ح ۲۴۰۴)؛ معاویه به سعد امر کرد و گفت: چه چیز مانع ناسزاگویی تو به ابوتراب شده است؟ سعد نیز شنیدن سه فضیلت امیرالمؤمنین ﷺ را مانع ناسزا دانست که عبارت‌اند از حدیث منزلت، واگذاری پرچم به آن حضرت در خیبر و داستان مباحله.

در متن فوق، مأمور به تحریف شده و ظاهراً برای پنهان کردن نصب معاویه چنین آمده است: «معاویه به سعد امر کرد»؛ ولی نمی‌گوید به چه چیزی امر کرده بود. ممکن است گفته شود با توجه به سؤالی که در ادامه آمده، مأمور به روشن است و دلیلی ندارد که آن را حذف شده بینگاریم؛ بلکه برای گزیده‌گویی چنین نقل شده است؛ ضمن اینکه ممکن است از سیاق هم مأمور به قابل فهم باشد. بنابراین نمی‌توان انگیزه‌خوانی کرد و نسبت تحریف داد؛ یا... و اگر هم کسانی چنین برداشتی داشته‌اند، در فهم دچار خطا شده‌اند.

پاسخ این است که قرائن نشان می‌دهند این تحریف قبل از قرن هفتم در برخی نسخ صحيح مسلم، که امروزه نیز همان نسخه‌ها نسخه شایع‌اند، رخ داده است؛ چراکه همین متن تحریف شده مبنای توجیه شارحانی امثال نووی (م ۷۶عق) گشته است. وی وقتی می‌بیند که روایت از نظر سند جای گفت‌وگو ندارد، دست به توجیهات عجیب می‌زند و می‌نویسد:

به گفته دانشمندان، چنین مواردی باید توجیه شود... درباره سخن معاویه نمی‌توان با صراحت گفت که به سعد بن ابی وقاص دستور ناسزا به علی ﷺ داده است؛ بلکه از علت ناسزا نگفتن وی به علی ﷺ پرسیده است که آیا به جهت پرهیز یا ترس یا عامل دیگر است؟ که اگر به جهت پرهیز و احترام به علی ﷺ باشد، که نکوست؛ و اگر غیر از این باشد، پاسخی دیگر می‌طلبد... توجیه دیگر این است که

چرا تو علیؑ را به خاطر روشی که انتخاب کرده است، محکوم نمی‌کنی تا او را به مردم به‌عنوان خطاکار و روش ما را شایسته معرفی کنی؟! (نووی دمشقی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۵، ص ۱۷۵).

برخلاف نووی، موسی شاهین در شرح صحیح مسلم به حذف مأمور به اشاره می‌کند و می‌گوید: «أمر معاویة بن أبی سفیان سعداً؛ المأمور به محذوف، لصیانة اللسان عنه، و التقدير: أمره بسبب علی رضی الله عنه» (شاهین، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۳۲). در جمله دستور معاویة به سعد، «مأمور به» محذوف است و محتوای دستور، به سبب آلوده نشدن زبان به مذمت معاویة حذف شده است؛ که در حقیقت، معنای جمله چنین می‌شود: معاویة به سعد بن ابی وقاص دستور داد تا به علیؑ دشنام و ناسزا گوید؛ زیرا هرچند سعد در حوادث خونین آن زمان گوشه‌گیری را انتخاب کرد، ولی مشهور به دفاع از علیؑ بود. لذا معاویة گفت: چه چیزی مانع دشنام و دشمنی تو با علی شده است؟ ایشان سپس به نقد کلام و توجیه پیش‌گفته نووی می‌پردازد و می‌گوید:

نووی تلاش می‌کند تا معاویة را از این دستور زشت تبرئه کند... ولی این توجیه، تأسف بار و دور از حقیقت است؛ زیرا مستندات تاریخی ثابت می‌کند که معاویة دستور لعن و سب علیؑ را صادر کرده است و نیازی به تبرئه وی نیست... با همه اینها بر ما واجب است که از وارد کردن نقص بر اصحاب رسول خداﷺ پرهیز کنیم؛ اگرچه ناسزاگویی به علیؑ از زمان معاویة امری واضح و روشن است (همان).

با توجه به آنچه گذشت، احتمال عدم تعدد در صحیح مسلم برای حذف «مأمور به» منتفی است؛ چراکه با حذف آن، تصریح روایت بر صدور دستور از معاویة زیر سؤال خواهد رفت و دقیقاً همین اقدام باعث شد تا دانشمندی مانند نووی دست به توجیه بزند و سعی در تبرئه معاویة از دستور به سب امیرالمؤمنینؑ داشته باشد و صراحت روایت بر آن را انکار کند و همین توجیهش دستاویز افرادی چون قاضی عیاض (قاضی عیاض، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۴۱۵) و مبارکفوری (مبارکفوری، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۵۶) و... شده است.

#### ۱-۸. تحریف در روایت لعن پیامبرﷺ به معاویة

معاویة از کسانی است که مورد نفرین مستجاب پیامبر اکرمﷺ واقع شده بود. روزی وی را طلبید؛ ولی او تأخیر کرد. حضرت فرمودند: «خدا شکم او را سیر نکند!» به همین سبب بود که می‌گفت: نفرین پیامبر به دنبال من آمده است! و به همین سبب روزی هفت بار یا بیشتر یا کمتر غذا می‌خورد (بالذری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۵۹).

طبری گوید: رسول خداﷺ فرمودند: «خدا شکم او را سیر نکند!» به همین سبب بود که دیگر سیر نشد؛ و می‌گفت: قسم به خدا به خاطر سیری از غذا خوردن دست نکشیدم؛ بلکه به خاطر خستگی از خوردن چنین می‌کنم! (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۲۲). ذهبی و ابن‌کثیر هم بر استجابت نفرین پیامبرﷺ از زبان ابن‌عباس تصریح کرده و گفته‌اند: «فَمَا شَبِعَ بَعْدَهَا...» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۳؛ ابن‌کثیر، بی‌تا، ج ۶ ص ۱۶۹)؛ معاویة بعد از آن، حتی در زمان خلافت سیر نشد و روزی هفت بار غذای پخته‌شده از گوشت می‌خورد.

سیوطی و صالحی شامی تصریح می کنند که روایت مزبور از زبان ابن عباس به صورت کامل در صحیح مسلم آمده است که در پایان می گوید: «فَمَا شَبِعَ بَطْنُهُ أَبَدًا؛ معاویه هرگز بعد از نفرین سیر نشد» (سیوطی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۱۵).

این در حالی است که با مراجعه به نسخه های فعلی صحیح مسلم ملاحظه می شود که این روایت با جمله نفرین پیامبر ﷺ (لا أَشْبِعَ اللهُ بَطْنَهُ) ختم شده و تصریح ابن عباس به استجاب دعای پیامبر ﷺ و سیری ناپذیری معاویه تا آخر عمر، از آن تحریف شده است (نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۲۰۱۰، ج ۲۶۰۴).

دلیل این حذف، به باور اهل سنت به برخی روایات ظاهراً مجعول از زبان پیامبر ﷺ برمی گردد. برای مثال، از آن حضرت نقل می کنند که فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ فَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ سَبَّيْتُهُ أَوْ لَعَنْتُهُ أَوْ جَلَدْتُهُ فَاجْعَلْهَا لَهُ زَكَاةً وَرَحْمَةً»؛ خداوند! هر که از مسلمین را که ناسزا گفته یا لعن کرده و تازیانه زده ام، برایش زکات و رحمت قرار بده! (نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۲۰۰۷، ج ۲۶۰۰، ...). از همین رو نووی در توجیه نفرین مزبور می گوید: «لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ حَقِيقَةَ الدَّعَاءِ» (نووی دمشقی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۶، ص ۱۵۲). در حدیث معاویه که خدا شکمت را سیر نکند و در همه آنها، مقصود نفرین واقعی نیست! درحالی که عصمت مطلق پیامبر ﷺ و تأکید قرآن کریم بر «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» و تصریح آن حضرت به اینکه «أَنِّي لَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا» (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۴۰، ج ۸۴۶۲) و... با چنین باوری ناسازگارند. دلیل مهم دیگر بر عدم صحت چنین باوری، اجابت نفرین پیامبر ﷺ درباره امثال معاویه به گواه ابن عباس در همین حدیث و دیگر مورخان و دانشمندان است.

## ۱-۹. تحریف حدیث مهدوی

از جمله امور مورد اتفاق بین تشیع و تسنن، باور به موضوع مهدویت است. تقریباً همه مسلمانان معتقدند که حضرت مهدی عجله الله فرجه از عترت پیامبر ﷺ و از فرزندان حضرت فاطمه رضی الله عنها است و در آخرالزمان با قیام خود، ظلم و ستم را ریشه کن می کند و با گسترش قسط و عدل، بشریت را نجات خواهد داد. علاوه بر منابع شیعی، بسیاری از دانشمندان عامه هم گواهی می دهند که در همین راستا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عَتَرَتِي مِنْ وَدِدِ فَاطِمَةَ» (سجستانی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ابن اثیر، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۳۳۱؛ مناوی، ۱۳۵۶ق، ج ۶، ص ۲۲۷). مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است.

ابن حجر هیثمی می گوید: «و من ذلك ما أخرجه مسلم و... الْمَهْدِيُّ مِنْ عَتَرَتِي مِنْ وَدِدِ فَاطِمَةَ» (ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۶۷۸)؛ از جمله این احادیث، چیزی است که مسلم و دیگران نقل کرده اند که مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است.

همچنین متقی هندی با حرف رمزی (م) به نقل صحیح مسلم اشاره می کند و می گوید: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عَتَرَتِي مِنْ وَدِدِ فَاطِمَةَ» (د، م عن أم سلمة) (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۱۱۸، ج ۳۸۶۶۲).

پس براساس گواهی/ابن‌حجر هیثمی و متقی هندی، مسلم نیشابوری هم حدیث مزبور را در کتاب صحیحش نقل کرده بود. این در حالی است که با مراجعه به صحیح مسلم، اثری از این حدیث نمی‌یابیم و مشخص است که این حدیث نیز با تیغ تحریف، از صحیح مسلم حذف شده است.

### نتیجه‌گیری

از آنچه در این تحقیق کوتاه گذشت، می‌توان به این نتایج رسید:

رخنهٔ تحریف در مهم‌ترین منابع اهل سنت و پیامدهای منفی آن در حوزهٔ کلام اسلامی قابل انکار نیست. صحیح مسلم حاوی برخی روایات محرّف است و دچار دستبرد برخی افراد مدعی دفاع از سنت واقع شده است. بنابراین نباید به آنها به‌عنوان صحیح مطلق در عرصهٔ دینی، به‌ویژه باورهای اعتقادی، تکیه کرد؛ بلکه مانند سایر منابع، سند و متن روایاتش باید بررسی شود.

هرچند صاحبان صحیح و رهروان آنها در پی کم‌رنگ جلوه دادن احادیث افضلیت اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند و در خصوص این‌گونه از روایات، مانند حدیث ثقلین، حدیث سفینه و... بی‌مهری کرده‌اند، ولی با تواتر نسبی این دسته از روایات، امید چندانی به موفقیتشان در آسیب زدن به جایگاه واقعی اهل بیت علیهم‌السلام وجود ندارد.

## منابع

- ابن اثير، علی بن محمد، ۱۴۱۷ق، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰ق، *جامع الأصول في أحاديث الرسول*، دمشق، مكتبة الحلواني.
- ابن تیمیة، احمد بن عبدالحلیم، ۱۴۰۶ق، *منهاج السنة النبویة*، مصر، مؤسسه قرطبه.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۶ق، *مجموع الفتاوى*، قاهره، دارالوفاء.
- ابن حبان، محمد بن احمد، ۱۴۱۴ق، *صحيح ابن حبان*، بيروت، مؤسسه الرساله.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *هدى الساری مقدمة فتح الباری شرح صحيح البخاری*، بيروت، دارالمعرفه.
- \_\_\_\_\_، ۱۹۹۷، *الصواعق المحرقة*، بيروت، مؤسسه الرساله.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، *مسند احمد*، بيروت، عالم الكتب.
- \_\_\_\_\_، بی تا، *مسند احمد*، مصر، مؤسسه قرطبه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، بی تا، *البدایة والنهایة*، بيروت، مكتبة المعارف.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۱ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بيروت، دارالفکر.
- ابن ملقن، سراج الدین ابی حفص عمر بن علی بن احمد، ۱۴۲۵ق، *البدر المنیر فی تخريج الأحادیث و الآثار الواقعة فی الشرح الكبير*، ریاض، دارالهجرة للنشر و التوزیع.
- الوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- باقرزاده، عبدالرحمان، ۱۳۹۴، *سانسور حقیقت*، بابل، مبعث.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵، «صحيح بخاری و تحریف حقیقت»، *تحقیقات کلامی*، ش ۱۵، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۶، «مخالفت با شیعیان، عامل تغییر سنت های نبوی»، *تسبیح پژوهی*، ش ۱۳، ص ۹۷-۱۲۰.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۸، «نقد و بررسی قاعده وجوب سکوت در قبال مشاجرات صحابه»، *پژوهشنامه کلام*، ش ۱۰، ص ۴۷-۶۹.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۹، *تحریف حق و حقیقت*، قم، بوستان کتاب.
- بلادری، احمد بن یحیی، ۱۴۰۳ق، *فتوح البلدان*، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۰۳ق، *الجامع الصحیح (سنن ترمذی)*، بيروت، دارالفکر.
- \_\_\_\_\_، بی تا، *الجامع الصحیح (سنن ترمذی)*، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین و بذیله التلخیص للحافظ الذهبي*، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۷ق، *تاریخ الإسلام و وقایات المشاهیر و الأعلام*، بيروت، دارالکتب العربی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ق، *سیر اعلام النبلاء*، چ نهم، بيروت، مؤسسه الرساله.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۲۲ق، *التفسیر الوسیط*، بيروت، دارالفکر.
- سجستانی، ابی داود سلیمان بن اشعث، بی تا، *سنن ابی داود*، بيروت، دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۵ق، *الخصائص الكبرى*، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- شاهین، موسی، بی تا، *فتح المنعم شرح صحيح مسلم*، مصر، دارالشروق.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ق، *فتح القدير*، دمشق، دار ابن کثیر.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ق، *سبل الهدی و الرشد فی سیرة خیر العباد*، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۰۴ق، *المعجم الكبير*، چ دوم، موصل، مكتبة الزهراء.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۷ق، *تاریخ الأمم والملوک*، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- عینی، محمود، بی تا، *عمدة القاری شرح صحيح البخاری*، بيروت، دار احیاء التراث العربی.

- قادری، سیدرضی، ۱۳۹۴، «بررسی تقریبی - تطبیقی مسئله مهدویت در صحیح مسلم»، پژوهش‌های مهدوی، ش ۱۳، ص ۱۳۳-۱۴۷.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۷، «بررسی حدیث ثقلین در صحیح مسلم و سنن ترمذی از منظر مهدویت»، مطالعات مهدوی، ش ۴۱، ص ۲۱-۳۰.
- قاضی عیاض، ۱۴۱۹ق، *إكمال المعلم بفوائد مسلم* (شرح صحیح مسلم)، قاهره، دارالوفاء.
- مبارکفوری، محمد، بی تا، *تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- متقی هندی، علاءالدین، ۱۴۱۹ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مزی، عبدالرحمن ابوالحجاج، ۱۴۰۳ق، *تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف*، چ دوم، بیروت، المکتب الاسلامی.
- مسلم‌خانی، روح‌الله، ۱۳۸۸، «بررسی کتاب صحیح مسلم»، *صراط*، ش ۳، ص ۴۲-۵۴.
- مناوی، زین‌الدین عبدالرؤف، ۱۳۵۶ق، *فیض القدير شرح الجامع الصغير*، مصر، المکتبة التجارية الكبرى.
- نووی دمشقی، محیی‌الدین ابی زکریا، ۱۳۹۲ق، *شرح صحیح مسلم*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_، ۱۹۹۷، *المجموع*، بیروت، دارالفکر.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۴ق، *الأذکار المتخبة من کلام سید الأبرار*، بیروت، دارالکتب العربی.
- نیشابوری، مسلم، بی تا، *صحیح مسلم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.